

چرا زیبا کلام کافه را به هم ریخت؟/ ماجرای حمایت از قالیباف، خطر مشای و حضور ناگهانی رفسنجانی!



مشخص نیست که صادق زیباکلام چگونه به یکباره تمام فعالیت‌های جریان متبوع خود را در مدح و ثنای تمام عیار چیزی به نام «توافق نهایی» در طول 2 سال گذشته به فراموشی سپرده است. صادق زیباکلام، فعال سیاسی اصلاح طلب اخیراً طی یادداشتی در روزنامه شرق که با عنوان «ایران بعد از توافق تاریخی» منتشر شده،

با اشاره به توافق نهایی میان دولت روحانی و کشورهای 1+5 نوشته است:

«توافق هسته‌ای، عصای موسی کلیم‌الله نیست که به اقتصاد ایران خورده و معجزه کند! تورم را کاهش دهد، ارزانی به بار بیاورد، کسب و کار را از رکود به در آورد، برای شش میلیون بیکار شغل ایجاد کند، رشد اقتصادی را به عدد دست‌نیافتنی هشت درصد برساند، باران و رحمت الهی را بر دشت‌های از خشکی تاول‌زده آن جاری کند و بالاخره و بالاتر از همه، فساد مزمن ساختار اداری را برطرف کند. همچنین این توافق قرار نیست روابط ما با برخی همسایگان را بلافاصله دوستانه کند یا خاورمیانه‌ای عاری از تسلیحات هسته‌ای ایجاد کند»

وی همچنین تصریح کرده است: اگرچه مخالفان توافق و تندروها، این نسبت نادرست را به دولت یازدهم و حامیان توافق هسته‌ای داده‌اند که آنها معتقدند، پس از توافق، ایران یک‌شبه گلستان خواهد شد، اما باید با تأکید و صدای بلند گفت: هیچ طرف‌دار توافقی دچار این تصور باطل، وهم و گمان نیست که اگر امروز توافق صورت بگیرد، از فردا همه چیز دگرگون شده و تغییر خواهد کرد. اصلاح اقتصاد، سیاست، جامعه، خاورمیانه، بهبود روابط با برخی همسایگان و دنیا، همه و همه به درپیش گرفتن سیاست‌های عقلانی و بهینه نیاز دارد.

او مدتی پس از این صحبت‌های خود طی یادداشت دیگری در شماره پنجشنبه روزنامه آرمان امروز نوشت: با این وجود شواهد و قرائن نشان می‌دهد توافق هسته‌ای فردا (جمعه) اعلام خواهد شد و با پشت سر گذاشتن شب‌های قدر می‌توانیم این توافق را جشن بگیریم!

* صحبت‌های زیباکلام متأسفانه مصداق بهم ریختن کافه است.

زیرا اولاً بدیهیست که توافقی که قرار بود تا آب خوردن مردم را هم حل کند، به قول برخی چهره‌های جریان خاص ما را از «باتلاق و فلج تحریم‌ها» نجات دهد و سطح معاش عمومی را ارتقا دهد؛ حکماً نمی‌بایست چیزی کم از عصای موسی کلیم‌الله که هیچ، که کم از ید بیضا داشته باشد.

ثانیاً مشخص نیست که صادق زیباکلام چگونه به یکباره تمام فعالیت‌های جریان متبوع خود را در مدح و ثنای تمام عیار چیزی به نام «توافق نهایی» در طول 2 سال گذشته به فراموشی سپرده است.

اما حتی اگر این فراموشی هم توجیه داشته باشد؛ مشخص نیست که خوانش صحبت‌های اخیر آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با پایگاه خبری المعهد و در مدح دوران پس از توافق هسته‌ای یا همان «پساتحریم» معروف نیز قابل فراموشی و کتمان هست یا خیر؟!

آقای هاشمی در پاسخ به سؤال خبرنگار المعهد که پرسیده است «به نظر شما توافق احتمالی هسته‌ای؛ چه تأثیری بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی و مسائل داخل ایران و مسائل منطقه خواهد گذاشت؟» گفته است:

«اولاً در ایران وضعمان به حالت عادی برمی‌گردد؛ ما در حالت عادی مشکلی در کشور نداریم؛ منابع زیادی در کشور هست که در ارتباط با همکاری‌های خارجی می‌توانیم هم بهتر نقد کنیم؛ هم بهتر بفروشیم و تکنولوژی‌های جدیدی لازم داریم که به فرض می‌توانیم آنها را بیاوریم؛ روابط تجاری‌مان تقویت می‌شود؛ تولیدمان خیلی بالا می‌رود؛ ما الان تقریباً 40 تا 50 درصد ظرفیت تولید نقد سرمایه گذاری شده‌مان را کد است؛ یک دفعه تجارت‌مان چند برابر و تقویت می‌شود و ارتباطات جهانی ما تقویت می‌شود... خیلی از جاها آماده سرمایه‌گذاری هستند؛ مخصوصاً ایرانیان خارج مایل هستند که به ایران بیایند؛ ما هم ظرفیت بسیار بالایی برای سرمایه‌گذاری داریم؛ فقط زیرمجموعه پتروشیمی ایران کافیس که یک تمدن بزرگی در سواحل خلیج فارس ایجاد کند؛ نیروهای تحصیلکرده فراوانی داریم که زمینه کار برای آنها فراهم می‌شود؛ در خارج هم که روابط عادی شود زندگی راحت‌تر می‌شود و ایرانیان در داخل و خارج احساس امنیت می‌کنند؛ در مجموع فکر می‌کنم بسیار مفید است»

آیا معنی این سخنان جز این است که توافق هسته‌ای دولت روحانی با 1+5 یک عصای موسی و ای بسا قوی‌تر از آن یا همان ید بیضا است؟!

باید اشاره کرد که جریان سیاسی خاص که بصورت علی‌المدوام طی 2.5 سال گذشته با اینکه می‌دانسته درباره فواید احتمالی توافق نهایی در حال آگراندیسمان و بزرگنمایی است اما باز هم بر مطلوبیت‌های آنچنانی توافق نهایی تأکید کرده و اکنون که افکار عمومی منتظر عملی شدن وعده‌های آنها در قبال توافق نهایی احتمالی هستند؛ صحبت از این می‌کند که با توافق نهایی ارزانی نخواهد شد، لغو تحریم اثر عمیقی بر ساختار اقتصادی ندارد، آثار توافق یک شبه نیست و ...

این ترمز کشی جریان خاص را باید اینطور آنالیز کرد که مسئله آنها از روز اول هم چیزی فراتر از مذاکره هسته‌ای بوده و آنها همانطور که زیباکلام هم در خاتمه یادداشت مذکور سؤال «امکان توافق با آمریکا در حوزه‌های دیگر»! را عنوان کرده؛ به تابعیت هژمونیک از آمریکا می‌اندیشند نه به میزان واقعی بودن سخنان خود در قبال دستاوردهای توافق نهایی (قبل از زیباکلام، الیاس حضرتی مدیر مسئول روزنامه اعتماد نیز در سرمقاله‌ای نوشته بود؛ شاید بعد از این در موضوعات دیگر و سایر پرونده‌ها با آمریکا وارد مذاکره بشویم! آقای هاشمی رفسنجانی نیز به تازگی از این گفته است که بحث بازگشایی سفارت آمریکا در ایران غیر ممکن نیست)

ماجرای توقعات عمومی از توافق نهایی و خوردن حلوی موعود نیز یقیناً توسط این جریان به گام‌های بعدی نظیر انتخابات مجلس دهم و دولت دوازدهم موکول خواهد شد.

صادق زیباکلام در سال 91 نیز علی‌المدوام بر عدم حضور آقای هاشمی در انتخابات ریاست جمهوری تأکید داشت و درباره حمایت اصلاح‌طلبان از کاندیداتوری کسانی مثل محمدباقر قالی‌باف و یا پیروزی قطعی مشایی! در صورت حضور سخن می‌گفت اما به محض اعلام کاندیداتوری آقای هاشمی؛ از این گفت که بیشترین سخنرانی‌ها و مواضع را در حمایت از کاندیداتوری وی داشته است!

یادآور می‌شود که یک روزنامه نزدیک به دولت اخیراً در یادداشتی در صفحه نخست خود، معنای مورد اراده زیباکلام را با لسانی دیگر مورد اشاره قرار داده و با بیان اینکه نمی‌توان لزوماً به امید خیر یا شر یک توافق بود، نوشته است: نگاهی به تاریخچه مذاکرات غرب باالاحص ایالات متحده با رقبا یا دشمنان خود نشان می‌دهد که فرجام و تبعات یک توافق نه فقط در محتویات آن بلکه در میزان توانایی نهادها و گروه‌های ذی‌نفوذ آن کشور برای استفاده از فرصت‌های حاصل از توافق مذکور است!

این سخنان با بهشت ترسیمی جریان خاص و برخی چهره‌های دولتی از دوران پساتحریم در تناقض است...